



بقلم و. فرانکیان

• واگنر

سال گذشته در بیشتر کشورهای متمدن ویژه در آلمان برای صد و بیست و پنجمین سال ولادت « ریشار واگنر » جشنهای بزرگی برپا ساختند. بیشتر روزنامه ها در زمینه زندگانی او مقاله های بلند بالا نگاشتند، چون نویسندگان ایرانی در باره این مرد نامی چیزی ننوشتند اکنون که در کشور ما موسیقی رونقی بخود گرفته این بنده نیز در صدد برآمدم دست چینی از حوادث زندگانی او بنکارم امید که ایرانیان بویژه علاقمندان موسیقی را رغبت بیشتری باین هنر زیبا پدید آید. هر چند « واگنر » موسیقی دان بزرگی بشمار میرود لیکن این مقام برای چنین مرد بزرگ ناچیز است چه او خود مصنف اشعار و موسیقی در امهای خود بوده یعنی نه تنها استاد موسیقی بلکه در شعر نیز منزلت بزرگی داراست اینست که آلمانیها ویرا به صفت Tondichter شاعر موسیقی دان یاد میکنند.

واگنر دوازده جلد کتاب مختلف بنام Gesammelte Schriften در مواضع کوناگون نوشته است و از این لحاظ « واگنر » را عنوان نویسنده نیز می توان داد نگارشهای او همه از هنرهای زیبا گفتگو می نماید ولی در برخی از آنها مصنف در مباحث

فلسفی و اخلاقی نیز فرو میرود در واقع شایسته است که او را حکیم و فیلسوف بگوئیم زیرا عقاید فلسفی خود را در نمایشگاه تئاتر جلو چشم تماشا کنندگان می نهد مباحثی که در این درامها بمیان می آید مربوط است بعقاید و انگیزه راجع بدنمای زندگی و مهر و دلبستگی و کیش و آئین .

Nietzsche نیچه (فیلسوف بزرگ آلمانی ۱۸۴۴-۱۹۰۰) چنین عقیده دارد که هر کس بخواهد از سختیهای زندگانی رهائی یابد ناچار بموسیقی و آکنر باید دست بدامن شود چنانکه خود نیچه از عقیده خود پیروی نموده با تصویر و موسیقی و آکنر دمساز بوده است فیلسوف آلمانی نشیمنگاه استاد را بنام : « خانه آسایش » یاد میکرد و آنجا را گرامی می شمرد و عقیده داشت که از شنیدن موسیقی و آکنر آسایش و آرامشی دست میدهد که انسان را از افکار پریشان و آشفته رهائی می بخشد .



این بود شمه از مقام و منزلت و آکنر . اکنون باختصار بشرح زندگانی او آغاز می نمائیم ریشار و آکنر در سال ۱۸۱۳ در شهر « لایپزیک » بجهان آمد . پدر وی دفتر دارشهریانی بود ، گوا اینکه همیشه با حقوق و قوانین سروکار داشت باز علاقه فراوانی بموسیقی و تأثیر نشان میداد . هنوز پنج ماه از زادن وی نگذشته بود که پدرش در جنگ « لایپزیک » کشته شد پس از چندی مادرش با هنر پیشه زناشوئی کرد این مرد در پرورش و آکنر چنانکه باید می کوشید « ریشار » در زمان کودکی بسیار حساس و بویژه شبها از ترس اجنه و ارواح آرامش نداشت . خانواده و آکنر در هنرهای زیبا بویژه موسیقی صاحب ذوق بودند . از جمله خواهر بزرگش « روزالین » در تأثیر بازیگر و عمه اش هنر پیشه شایسته بود لاجرم محیط خانه در پرورش و آکنر بی تأثیر نمانده است .

واکنر نخست در Kreuzchule و سپس در Nicolaïschule و از آن پس در دانشگاه « لایپزیک » دانش آموخت لیکن دانش جوی هوسرانی بود و پند و اندرز استادانرا وقتی نمی نهاد. در مدرسه از همان زمان کودکی میل و رغبت مفراطی نسبت به ادبیات و ویژه شعر و شاعری پیدا کرد نسبت به موسیقی هم علاقه فراوانی بهم رسانیده کوچکترین آهنگ موسیقی بس بود تا بیک (هیجان موسیقی) دچار شود.

واکنر از آثار « شکسپیر » استفاده کرده درام بزرگی نوشته و سبک نویسنده مشهور انگلیسی را پیروی نموده است. چیزی نرفت که واکنر به موسیقی « بتهوون » نیز آشنا شد و در صدد برآمد که بایک موسیقی بسبک « بتهوون » درام خود را بیک درام موسیقی تبدیل نماید درین هنگام بیش از پانزده سال از زندگانی او نمی گذشت. از این نابغه خردسال آثار بزرگی هویدا میشد. هارمونی و فن موسیقی را پیش خود آموخته لیکن معلوماتش عمقی نبود. خود نیز بدین مطلب پی برده نزد استادان زبردست بتکمیل آنها پرداخت و چندین سمفونی و سنات « Sonates » نوشت لیکن این آزمایش های نخستین چنان در نظرش ناشایسته آمد که ناچار بزنگانی پست و ناپسند تن در داد چنانکه خود در کتاب « زندگانی من » می گوید « ... اکنون در حیرتم چگونه بچنین زندگانی پست و ناپسندی تن در داده بودم » لاجرم دانشجویی ولگرد شده و عشق مفراطی بقمار پیدا کرد لیکن از موسیقی دست نکشیده آنرا آسایشگاه خود میدانست خوشبختانه دیری نرفت که این زندگی ناشایست و ناپسند سپری شد. واکنر این روزگار جوانی را به بدبینی و بدگویی یاد میکند.

بیست ساله بود که از روی جد در زندگانی موسیقی پانهاد نخستین اپرای خود موسوم (پری ها) را نوشت موضوع این اپرا افسانه G. ozzi می باشد و در موسیقی آن نفوذ موسیقی « و برو بتهوون » محسوس است با اینهمه شخصیت واکنر (زمان آینده) نیز از آن نمایان می شود. پس از آن اپرای دیگری بنام «عشق غدغن است» برنگاشت که زمینه آن از يك درام « شکسپیر » گرفته شده است.

سال ۱۸۳۴ بازپسین سال از روزگار جوانی واکنر بشمار می آید از این سال دیگر کامرانی و بی فکری وی پایان آمده و در کوچگاه سختی و رنج وارد می شود می توان گفت تا پایان عمر دوام خواهد داشت.

در « لایپزیک » ریشار بریاست ارکستر تاتر « دبورک » برگزیده شد و تابستانها در شهر Lauehstaedt نمایش میداد که اقامتگاه سابق « شیلر و گوته » می باشد و از این رو مشهور شده است واکنر را این شهر خوش نیامد و خواست از این کار چشم بپوشد لیکن یکی از « زیباترین و دلرباترین دختران آن شهر » بنام « مینا پلانر » که آرتیست تاتر بود دل باخت « مینا » که از سختیهای زندگانی بی بهره نبود باسانی فریفته واکنر نشد ولی کم کم میان آنان روابطی استوار گشت تا در سنه ۱۸۳۵ نامزد واکنر شد و هر چند « مینا » پنج سال از واکنر بزرگتر بود عاقبت در سال ۱۸۳۶ زناشوئی کردند.



این زناشوئی خطای جوانی واکنر شمرده می شود. چه برای مردی چون واکنر دارای تحصیلات عالی همسری مینا درخور نبود چرا که مینا از علم و دانش بهره نداشت در هنرمندی نیز شایستگی نشان نمی داد. نمایش هایش از زیبایی وی جلوه میگرفت پرورش فکری مینا با موسیقی کلاسیک نزدیک بود برخلاف واکنر که شخصی بود دوستار مشت زنی (بکس) و نو سازنده موسیقی قدیم.

واکنر پس از یکسال یعنی در سال ۱۸۴۷ نخست مدیر تاتر « ریگا » شد در آن مقام دو سال بسر برد نخستین اثر بزرگ خود را موسوم Rienz در همین سال نوشت.

ریشار چون با « مینا » زناشوئی کرد پنداشت که در یک محیط زندگی پر

آرامش درمی‌شود لیکن این ازدواج بتلخی اوقات وی افزود چه در همین سال «مینا» با مرد توانگری بگریخت و ریشار چندی دنبال آنان دوید عاقبت بی حصول نتیجه بازگشت «مینا» از این رفتار ناپسند خود بزودی شرمگین شده دوباره به پیش واگنر باز آمد واگنر خواست او را رها کند ولی نامه اندوهگین «مینا» دل نازک موسیقی دان را نرم کرده از این فکرش روگردان ساخت و دوباره صلح و صفا میان آن دو برقرار گردید.

در اواخر سال ۱۸۳۷ اپرای Rienzli بیابان رسید ولی دامنه فکر اهالی «لایپزیک» تا این بلندی نرسیده بود که این تصنیف بلند پایه را دریابند ناچار دریکی از پایتخت های بزرگ آنرا بنمایش در آورد و برای همین منظور در صدبرآمد بشهر پاریس که آن زمان مرکز هنرهای زیبا بود بروید ملوانان هنگام عزیمت در کشتی افسانه هائی برایش گفتند. در آینده از این افسانه ها زمینه اپرای «هلندی پرواز کننده» Der Fliegende Hollander را ساخت در سال ۱۸۳۹ با زن خود وارد پاریس گردید و رنجهای بسیاری در سه سال اقامت خود در پاریس کشید چون هنوز آوازه اش بگوش همه کس نرسیده بود برای یافتن نان رنج بسیار میکشید اپرای نامبرده هر چند در نمایشگاه پاریس پذیرفته شد اما هرگز بنایمش در نیامد.

دنباله دارد

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

